فقر روستايي روند و اندازه‌گيري آن در ايران (تبيين روش‌ها و نقد رويكردها)

جواد زاهدي مازندراني*

سابقة مطالعات روشمند مربوط به فقر روستايي در كشور، در حدود چهار دهه است. با اين حال هيچ‌گونه ارزيابي دقيقي از روند اين مطالعات و چگونگي پيشرفت آن در دست نيست و مي‌توان احتمال داد كه يكي از عوامل مؤثر بر عدم توفيق بر نامه‌هاي كاهش فقر روستايي در كشورك استي‌ها و نارسايي هاي مطالعات مربوط به ش ناسايي و تحليل فقر روستايي باشد.

در مقال ة حاضر كوشش شده است كه ضمن معرفي روش هاي اندازه گيري و شناخت فقر و نقد ديدگاه هاي مربوط به چگونگي تحليل آن، روند مطالعات فقر روستايي در كشور مورد بررسي قرار گيرد و در كنار اين هدف، وضعيت موجود پدي دة فقر روستايي نيز شناسانده شود. رويكرد تحقيقي اصلي در تهي ة اين مقاله «روند ـ پژوهي» است كه ا ز طريق مطالعة اسنادي و كتابخانه اي مطالعات مربوط به فقر روستايي صورت پذيرفته است. در ضمنِ

* دكتراي جامعه‌شناسي، عضو هيأت‌علمي دانشگاه پيام نور -J<Zahedi@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بررسي اين مطالعات، در مواردي نيز كوشش شده است كه با استفاده از «فراتحليل» استنباطهاي تازه‌تري براي شناخت بهتر وضعيت فقر در جامعة روستايي كشور ارائه شود. در بخش پاياني مقاله نيز با توجه به واقعيت‌هاي جامعة روستايي و نظام اجتماعي كشور به ارزيابي روند مطالعات فقرشناسي در نواحي روستايي مبادرت شده است.

كليد واژه‌ها: الگوي توزيع درآمد در نواحي روستايي، خط فقر روش‌هاي اندازه‌گيري فقر، فقر روستايي، فقر مطلق، فقر نسبي

تاريخ دريافت مقاله: 84/1/22 تاريخ پذيرش مقاله: 84/6/4

مقدمه

فقر يكي از كهن ترين انواع آسيب هاي اجتماعي در همة جوامع است. اين واقعيت كه يكي از تعاليم مهم همة اديان، دستگيري و حمايت از فُقراست، خود دليل محكمي بر قدمت زياد فقر و مس ئله‌ساز بودن آن براي نظم اجتماعي جوامع در طول تاريخ است.

از دهه‌هاي پاياني قرن بيستم توجه به فقرزدايي و حمايت از قشر هاي درآمدي آسيب پذير در س طح بين‌المللي مورد توجه قرار گرفت و حمايت هاي جدي سازمان ملل متحد و نهادهاي وابسته به آن سبب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

گرديد كه در اكثر كشورهاي جهان اين موضوع در دستور كار دولتها قرار گيرد. در همين راستا، سازمان ملل متحد دهۀ 1990 را دهۀ ريشه‌كني فقر نام‌گذاري كرد و بانك جهاني براي ايجاد جهاني عاري از فقر، دولتها را به اقدام مؤثري براي حذف گرسنگي، توسعۀ مسكن و برخورداري از بهداشت و آموزش دعوت كرد. اعضاي اسكاپ (كميسيون اجتماعي و اقتصادي سازمان ملل متحد در آسيا و اقيانوسيه ـ كه ايران هم در آن عضويت دارد) نيز متعهد شدند كه اقدامات لازم براي ريشه‌كني فقر را تا سال 2010 انجام دهند. با اين حال اطلاعات موجود بازگوي آن است كه به رغم اين بسيج بين‌المللي نتايج مهمي در اين خصوص به دست نيامده و شمار فقراي جهان همچنان در حال افزايش است.

در ايران نيز اگرچه اقدامات مربوط به تأمين اجتماعي و حمايت از فقرا و آسيب‌پذيران روستايي سابقه‌اي دست‌كم 40 ساله دارد اما دستاوردهاي برنامه‌ها از حيث كاهش فقر و آسيب پذيري درآمدي در نقاط روستايي كشور درخور توجه نيست.

منطقاً مي‌توان پذيرفت كه پيش شرط اساسي توفيق در برنامه هاي كاهش فقر، انجام مطالعات علمي و روشمند براي شناخت و تحليل فقر است. بخش مهمي از فقرا و گرسنگان جهان در نواحي روستايي زندگي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مي‌كنند و بنابراين مي توان گفت كه توفيق در برنامه‌هاي فقرزدايي مستلزم گسترش مطالعات علمي فقرشناسي در نواحي روستايي و كوشش مستمر براي ارتقاي كمي و كيفي اين مطالعات است.

ايران نيز نظير همة كشورهاي در حال توسعة جهان با مسئلة اجتماعي فقر و از جمله با گستردگي فقر در جامعه روستايي روبه روست. منابع آماري موجود به طور مستقيم اطلاعي از تعداد فقراي روستايي، گروه‌هاي درگير فقر و نيز درجه بندي اين گروه ها براساس ميزان فقر به دست نمي دهند و استنباطهاي نامستقيم از آمارهاي در دسترس نيز اگرچه براي به دست آوردن تصويري كلي از وضع موجود ضروري است اما حاصل كار، اغلب به رغم پيچيده بودن عمليات محاسباتي، به قدر كفايت روشنگر عناصر و مؤلفه‌هاي پديدآورنده مسئلة فقر نيست.

مقابله با فقر روستايي از سويي بسيار ساده به نظر مي‌رسد و از سوي ديگر بسيار پرهزينه و دشوار است. با توجه به آ ن كه اكثر روستانشينان به فعاليت‌هاي كشاورزي و يا مشاغل وابسته به آن اشتغال د ارند، مي توان تصور كرد كه كوشش هاي سنجيده براي توسع ة كشاورزي، اسباب لازم براي بهبود نسبي وضع زندگي روستا نشينان و در نتيجه محو تدريجي فقر را فراهم خواهد ساخت. از سوي ديگر مي توان گفت كه محو فقر و محروميت از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

روستاها و نيز توسعة كشاورزي مستلزم ايجاد زيربناهاي لازم و نيز ايجاد تأسيسات رفاهي و اجتماعي مورد نياز در نقاط روستايي است كه عملاً با توجه به تعداد و پراكندگي زياد نقاط روستايي و كم جمعيت بودن نسبي اكثر روستاها امري اگر نه ناممكن، دستكم بسيار دشوار و پرهزينه است.

در چنين شرايط دشواري، مطالعات فقرشناسي در روستاها وظيفه دارد كه راه هاي اصولي لازم براي غلبه بر اين عوامل بازدارنده را كه مانع از ثمربخشي خط‌مشي‌ها و برنامه هاي فقرزدايي مي‌شوند، نشان دهد. مي‌توان تصور كرد كه انجام مسئولانة چنين وظيفه اي در شرايطي كه بنيان هاي اطلاعاتي لازم وجود ندارد تا چه حد دشوار و طاقت فرسا است و به چه كوشش مداومي براي اصلاح روش ها و رويكردهاي مطالعاتي نياز دارد.

1) ديدگاه‌هاي شناخت و تحليل فقر

فقر را عموم صاحب‌نظران مسئله‌اي اجتماعي مي‌دانند [بوت، 1886؛ ماركس، 1871؛ انگلس، 1892؛ كاپلويتس، 1970؛ موينهاين، 1968؛ رينواتر، 1968؛ ميليباند، 1996؛ كوتس و سيلبورن، 1970؛ تونسند، 1970 و 1974؛ ميلر و رابي 1970؛ لينكاي، 1973؛ ودربرن، 1974؛ فيلد،1975؛ وسترگارد، 1976؛ اسميت، 1979؛ هاومن، 1987؛ وسن (1999) 1381] به همين لحاظ اغلب جوامع در جست‌وجوي راه‌حل‌هاي اجتماعي براي مقابله

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

با اين مسئله هستند. اين كه مسئله فقر را چگونه مي‌توان حل كرد قبل از هر چيز به نوع كوششي بستگي دارد كه براي شناخت و تحليل آن در شرايط زماني و مكاني خاص صورت مي گيرد. در جامعه اي كه با گرسنگي مزمن گروه هاي وسيعي از جمعيت روبروست، تعريف فقر گرايش به آن دارد كه بر مسايل مرتبط با گرسنگي ت مركز يابد. در حالي كه در جامعه اي كه از سطح رفاه حداقل برخوردار است، تعريف فقر بر شاخص هايي ممتركز است كه بيشتر دلالت بر محروميت نسبي دارند، از قبيل سوء تغذيه و دسترسي محدودتر به امكانات بهداشتي و آموزشي و سبك زندگي و سطح رفاه پايين‌تر و امثال اين‌ها.

بر اين اساس مي توان گفت كه اولين گام در حل مسئله فقر ارا ئة تعريفي با دلالت هاي زماني و مكاني معين از اين پديده است كه بر پاي ة شاخص‌هاي عيني و محسوس سنجش و احصا ، اين پديده را امكان‌پذير سازد. شناخت و تحليل فقر بر پاي ة اين تعريف باي د به نحوي باشد كه بتواند به گام‌هاي اصولي و مهم بع دي در زمين ة حل مس ئله رهنمون شود. اين گام‌ها در وجه شناختي آن از اين قرارند:

الف) تعيين دامنه ، سطح و ابعاد مس ئله كه متضمن طرح‌ريزي شيوه هايي براي سنجش و اندازه‌گيري فقر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

ب) ريشه‌يابي مسئله كه متضمن پيش بيني چارچوب‌هاي روشمند و كارآمد براي بررسي علل بروز و ظهور فقر است.

ج) فراهم‌سازي شرايط تغيير ساختاري متن و زمينه‌اي كه علل و عوامل بروز فقر در چارچوب آن عمل مي‌كنند؛ كه مستلزم سياست گذاري‌هاي اجتماعي مناسب و ايجاد آمادگي سياسي و اقتصادي براي پذيرش تغييرات ساختي در مناسبات اجتماعي است.

د) طراحي سازوكارهاي مناسب براي ارزيابي و بازنگري (Monitoring) عمليات و برنامه هاي فقرزدايي در جامعه كه مستلزم وجود نظام سياسي مردم‌سالار و آزاديخواه (ليبرال) است.

به اين ترتيب، در هر نوع كوششي براي شناخت و تحليل فقر عملاً با چهار پرسش اساسي روبرو هستيم:

اول - فقر چيست؟

دوم - چه دامنه و وسعتي دارد؟

سوم - علل پديدآورنده آن كدام‌اند؟

چهارم - چه راه‌ها و خط‌مشي‌هايي براي مقابله با آن مي‌توان ارايه كرد؟

در جامعه شناسي دو رويكرد كاملاً متمايز براي شناخت و تحليل فقر وجود دارد: ماركسي و وبري.

از ديدگاه ماركسي ، فقر را در يك جامعة سرمايه‌داري فقط برحسب نظامي از نابرابري ها كه محصول اقتصاد سرمايه داري است م يتوان درك كرد .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

ثروت در دست هاي اقليتي متمركز است كه نيروهاي توليد را در اختيار دارند و اعضاي طبقات تحت سلطه فقط مالك نيروي كار خويشند كه بايد آن را به ازاي دستمزد در بازار آزاد بفروشند . از اين ديدگاه، در جامعة سرمايةداري دولت بازنماي منافع طبقة حاكم است و انتظار نميرود كه اقدامات دولتي در زمينة فقرزدايي اغلب بتواند كاري بيش از كاهش آثار شديد و ستمگرانه فقر صورت دهد. وسترگارد و رسلر استدلال ميكنند كه طبقة حاكم از طريق ايجاد دولت رفاه كوشيده است كه به تقاضاهاي جنبش كارگري پاسخ دهد . اما اين نظام «فقط در داخ ل شبكهاي از نهادها و مفروضات كه سرمايه سالار باقي ماندهاند، عمل مي كند.» از ديد آن ها كليد واژة اين رابطه سياست تحديد نفوذ (Containment) است (Haralambos & Heald, 1991:162) لينكايد نيز رابطة مشابهي را ميان منافع تأمين اجتماعي و اقتصاد سرمايهداري مشاهده م يكند. بر طبق نظر او «فقر گسترده نتيجة مستقيم تأثير محدود تمهيدات موسوم به تأمين اجتماعي است» (همان).

يك ديدگاه مشهور متأثر از اين رويكرد، ديدگاه موسوم به وابستگي است . بر اساس اين ديدگاه گو آن كه نمي توان در اهميت اجتماعي آن چه در حوزه هاي بسيار متفاوت روس تايي و شهري (مثلاً در ايالات متحده، اتيوپي، هند، فرانسه و انگلستان و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

زيمبابوه) فقر تلقي مي‌شود ترديد كرد، ولي بايد توجه داشت كه خود پديدة فقر تا حدود زيادي ناشي از رابطه سلطه و مبادلة نابرابري است كه بين دو گروه كشورهاي غني و فقير جهان جريان دارد و اگر بخشي از جمعيت جهان بسيار غني است اين غنا به قيمت در فقر نگاه داشته شد ن بخش وسيع تر جهان حاصل آمده است. اگرچه اين فرايند در نظ ر نخست در مقياس روابط بين حكومت ها و در چارچوب ملي محقق مي‌شود، ولي تجربه نشان مي دهد كه «دولت ـ ملت»هاي زيرسلطه هرگز به تمامي و به‌طور يكپارچه فقير نگاه داشته نمي شوند بلكه فرايند سلطه اساساً بر پاي ة تفكيك و تمايز طبقاتي محقق مي‌شود. به اين اعتبار بر طبق آراي صاحب نظران مكتب وابستگي، سلسله مراتبي از نظام طبقاتي بين‌المللي را مي‌توان ترسيم كرد كه در قاعد ة آن فقراي كشورهاي جهان سوم قرار د ارند (Frank,1969-1975) در نظريۀ «نظام جهاني» (Wallerstein,1974-1980) نيز كوشش مي شود كه در چارچوب كم و بيش مشابهي، نابرابري ميان ملت‌ها به روابط «مركز ـ پيرامون» نسبت داده شود. هنوز هم بسياري از پژوهشگران در تحليل فقر و به‌ويژه فقر روستايي مي‌كوشند كه اين ديدگاه‌ها را به صورتي تعميم يافته براي تبيين رابطة ميان شهر و روستا و تحليل دلايل گستردگي بيشتر فقر در نقاط روستايي به كار گيرند و در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

موارد زيادي نيز اين كاربردها درست و به جاست.

ب) ديدگاه وبري ، در نقطة مقابل ديدگاه ماركسي، به تفاوت‌هاي ثروت در ميان اعضاي طبقة كارگر حساس است. در ديدگاه ماركسي تفاوت هاي آشكار ميان فقرا و دي گر دستمزدبگيران ناديده گرفته مي شود و تحليل ايدئولوژيكي واحدي براي فقر در جوامع سرمايه داري وجود دارد . اما وبر استدلال مي كند كه پايگاه طبقاتي هر كس به «موقعيت او در بازار » بستگي دارد. هر كس بسته به ميزان قدرتش بايد بر روي عملكردهاي بازار تأثير بگذارد و برحسب تماي لاتش و بر پاي ة مهارت و تخصصش مي‌تواند در بازار رقابتي ج ايگاه ويژه اي را به دست آورد (Weber,1964:424-429) براساس اين ديدگاه گروه هايي از قبيل سالخوردگان، مبتلايان به بيماري هاي مزمن و خانوارهاي تك سرپرست قدرت اندكي در بازار دارند و به ه مين لحاظ پاداش كمي هم دريافت مي كنند. در واقع، شرايط خاص اين گروه‌ها آنان را از رقابت مؤثر در بازار باز مي‌دارد. از همين روي سالخوردگان، بيماران ، معلولان و خانوارهاي تك سرپرست عمدتاً فقيرانند . اعضاي ساير طبقات درآمد مكفي‌تري براي پس‌انداز و سرمايه‌گذاري در طرح‌هاي بازنشستگي، بيمه و نظاير آن براي محافظت از خود در ب رابر تهديدهاي فقر در اثر بيماري، سالخوردگي و فوت همسر دارند. در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

اين ديدگاه طبقة اجتماعي بيش از ناتواني، قصور يا بداقبالي شخصي در ب روز فقر مؤثر قلمداد مي‌شود. رالف ميليباند بر مبناي اين ديدگاه، در مقالة Politics and Poverty «سياست و فقر» موقعيت چانه‌زني فقرا را مورد بررسي قرار داده و استدلال مي‌كند كه فقرا برحسب قدرت، ضعيف‌ترين گروه براي رقابت در زمين ة منابع كمياب و با ارزش‌اند. بر طبق نظر او «فقرا بخشي از طبق ة كارگرند كه به نحو وسيعي خارج از سازمان‌هايي قرار گرفته‌اند كه براي دفاع از منافع طبقه كارگر به وجود آمده است. هيچ سازماني با قدرت اتحاديه‌هاي كارگري براي نمايندگي منافع بيكاران، سالخوردگان، مبتلايان به بيماري هاي مزمن يا خانواده هاي تك‌سرپرست وجود ندارد. فقرا به دليل نداشتن درآمد، منافع لازم براي شكل دادن به گروه هاي قدرتمند و فشار را ندارند و «شرم از فقر» (Shame of Poverty) مانع از آن مي شود كه فقرا بتوانند حمايت عمومي مؤثري را براي پيشبرد منافع شان به دست آورند(Haralambos, Heald,1991:164).

برخي كاركردگرايان با الهام گرفتن از ديدگاه وبري، ضرورت وجود فقر در جوامع را توجيه و تبيين كرده اند. مثلاً هربرت جي. گانس در كتاب **برابري بيشتر** More Equality استدلال كرده است كه «فقر تا حدودي پايدار مي‌ماند زيرا براي تعدادي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

از گروه ها در جامعه مفيد است». از ديد او وجود فقر، به مردم غيرفقير به طوركلي و به ثروتمندان به طور خاص فايده مي رساند. گانس اين كاركرده ا را براي فقر در جامعه قائل است:

- نخست اين كه در هر اقتصادي شماري از مشاغل موقتي، كثيف، ته‌خطي، خطرناك و پست وجود دارد كه وجود فقر، انجام اين كارها را تضمين مي‌كند.

- دوم اين كه فقر مستقيماً براي بخش به سرعت رو به رشد نيروي كار ، اشتغال و امنيت مالي تأمين مي‌كند. به سخن گانس «فقر براي شماري از تخصص‌ها و حرفه ها كه به فقرا خدمت رساني مي‌كنند يا بقية جمعيت را از مخاطرة آنان در امان نگه مي‌دارند شغل ايجاد مي كند». اين‌ها شامل پليس، زندانبان، مددكاران اجتماعي، روانكاوان، پزشك‌ها و كارگزاراني هستند كه بر «صنعت فقر» (Poverty Industry) نظارت دارند.

- و سوم اين كه وجود فقرا موجب خاطرجمعي بقية آحاد جامعه است. به ادعاي گانس «فقرا موقعيت و منزلت كساني را كه فقير نيستند تضمين (گارانتي) مي‌كنند» (همان: 165 و 166).

كاربرديتر شدن اكثر مطالعات مربوط به فقر موجب شده است كه در سال‌هاي اخير ديدگاه‌هايي تلفيقي كه كمتر نظري و بيشتر عملياتي اند بر اين مطالعات غلبه پيدا كند. در حالي كه در رويكردهاي قديمي‌تر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بر ديدگاه هاي نظري و ايد ئولوژيك در تحليل فقر تأكيد گذاشته مي شد، امروزه با تلفيق اين نظرگاه‌ها كوشش مي‌شود كه با استفاده از تكنيك هاي سنجش پيشرفته‌تر و دقيق تر، تحليل‌هاي حتي المقدور كاربرديتري از مسئلة فقر به دست داده شود.

امروزه به فقر بيشتر به صورت يك پديده شبكه اي و چند بُعد ي كه داراي ابعاد فيزيكي، اقتصادي، رواني، اجتماعي و فرهنگي است مي نگرند. كوتس كن و ريچارد سيلبرن استدلال مي كنند «فقر ابعاد متعددي دارد و هر بعد آن را بايد جداگانه و به شيوة خاص خودش مطالعه كرد ، اما نبايد از ياد برد كه همة اين ابعاد بر روي هم شبكه اي متداخل از محروميت را پديد مي‌آورند» (همان: 152).

رويكردهاي جديدتر به اين مسئله در عين تكيه به مطالعات محلي و خاص، كليگراتر است و بر اين نكته تأكيد مي‌گذارد كه مي توان به فقر از ديد علمي ، معنا و مقياس كلي و قابل پذيرشي را نسبت داد كه در همة جوامع صادق باشد . مدافعان اين ديدگاه استدلال مي‌كنند كه براي تبيين فقر ، به خصوص در شرايط ارتباطات گستردة بين‌المللي امروز در جهان بايد كوشيد كه نخست آن را برحسب نفوذ عظيم توسعة بين‌المللي ـ مثلاً خط مشي سازمان ها و كارگزاري هاي بين‌المللي، سازمان هاي هم سود و جهاني (Global Corporation) و نهادهاي اقتصادي و تجارتي عمومي ـ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بر روي طبقات اجتماعي و سبك و شرايط زندگي در هر كشور درك كرد (Townsend, 1993). بسياري از مطالعاتي كه امروزه زير نظر و با حمايت سازمان‌هاي بين‌المللي از قبيل بانك جهاني، ايفاد (IFAD)، فائو (FAO)، صندوق بين المللي پول (IMF)، اسكاپ، برنامة عمران ملل متحد (UNDP) و نظاير آن صورت مي‌گيرد و اغ لب بر پاي ة مطالعات محلي و منطقه‌اي تصوير بالنسبه جامعي از فقر و روند آن در جهان به دست مي دهند از اين ديدگاه جديد تبعيت مي‌كنند.

2) فقر چيست؟

فقر يك پديد ة چند بُعدي است و همين ويژگي م وجب مي‌شود كه شناخت آن دشوار و گاه به اصطلاح، سهل و ممتنع باشد. اگرچه به نظر مي‌رسد كه ابعاد فيزيكي و مادي فقر را به سهولت مي توان تشخيص داد ولي تشخيص و احصا ابعاد فكري و فرهنگي آن، و به ويژه سنجش مؤلفه هايي نظير بي قدرتي، احساس فرودستي، انفعال، عدم امنيت، محروميت و تبعيض كه همزادهاي اجتماعي آن تلقي مي شوند، به سادگي امكان پذير نيست. بازتاب اين دشوار بودن تشخيص فقر را در ادبيات پژوهشي برخي رشته هاي علوم اجتماعي نظير جامعه‌شناسي، اقتصاد و اقتصاد سياسي به دو صورت مي‌توان ديد: اول تنوع ديدگاه ها و تعاريف مربوط به فقر و دوم تعدد و گوناگوني روشهاي اندازه‌گيري

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

آن. اين تنوع تعريفي و روشناختي را از اثر بزرگ چارلز بوت **زندگي و كار مردم در لندن** (The life and Work of People in London) گرفته تا مطالعات روشمندتر و كمّي شده تري كه امروزه در زمين ة اندازه‌گيري ميزان و شدت فقر در جوامع مختلف صورت مي گيرد مي‌توان پيگيري و رديابي كرد.

از بُعد جامعه شناختي، فقر به معناي كمبود دارايي، درآمد و خدمات عمومي است (Radeng, 1977). ميلر با نگاه اقتصادي‌تر، فقر را شرايطي مي‌داند كه ميزان درآمد در يك پنجم پايييني تو زيع درآمد قرار داشته باشد و منجر از ديدگاه اقتصاد سياسي آن را وضعيتي ن اهمساز با غايت هاي ملي جامعه مي‌داند (همان؛ 158).

محققان از قرن نوزدهم به بعد كه مطالعة منظم فقر آغاز شده است، كوشيده اند كه معيارهاي ثابتي را براي سنجش فقر به كار گيرند. از لحاظ آرماني يك چنين معياري را مي توان براي همه جوامع به كار گرفت و براساس آن مي توان سطح ثابتي را تعريف كرد كه خط فقر (Poverty Line) ناميده مي‌شود. بر طبق تعريف، فقر از زير اين خط آغاز شده و در بالاي آن پايان مي‌يابد. امروزه تميز ميان فقر مطلق (Absolute Poverty) و فقر نسبي (Relative Poverty) در ادبيات پژوهشي يك ضرورت اساسي تلقي مي شود. تعريف فقر مطلق اشاره به حالتي دارد كه در آن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

فرد، با فقدان منابع لازم براي بقا روبروست . مصاديق اين نوع فقر را بيشتر در جهان سوم و در جوامع توسعه نيافته مي توان يافت . اما جامعه‌شناسان اغلب، به ويژه هنگامي كه فقر را در جوامع پيشرفته صنعتي مطالعه مي كنند، به تعاريف نسبي فقر متوسل مي شوند كه اشاره است به فقدان منابع براي فرد يا گروه هنگامي كه با ديگر اعضاي آن جامعه، و يا به سخن ديگر با استاندارد نسبي زندگي جامعه مقايسه مي شوند. اگرچه مفهوم فقر نسبي با تفاوت‌هاي مربوط به سطوح منابع مادي ـ يعني نابرابري هاي ناشي از توزيع آن در جامعه ـ مرتبط است، عينيت مقياس هاي آن به طور بالقوه كمتر از فقر مطلق نيست. مسئله بيشتر آن است كه اين مقياس ها احساس هاي ذهني فقر را اندازه نمي‌گيرند، در حالي كه چنين احساس هايي به ويژه آن‌گاه كه پيامدهاي فقر مورد تحليل قرار مي گيرد مي‌توانند بسيار اهميت داشته باشند (Marshall, 1998:516).

در وهلة نخست چنين به نظر مي‌رسد كه مفهوم فقر مطلق به لحاظ ساده تر بودن تعريف آن مي‌تواند كاربرد بيشتر و گسترده تري داشته باشد . اين مفهوم اساساً مبتني است بر داوري دربارة نيازهاي اساسي انساني، و اغلب برحسب منابع مورد نياز براي حفظ سلامتي و تأمين كارآيي جسم اني تعريف

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مي‌شود. مهم‌ترين سنجه‌هاي فقر مطلق با تعريف كيفي و مقداري غذا و لباس و سرپناه كه براي هر زندگي سالم ضروري پنداشته مي‌شود مرتبط است. فقر مطلق را اغلب فقر معيشتي (Subsistance Poverty) نيز مي‌خوانند زيرا متضمن دستيابي به حداق ل مورد نياز براي بقاي زيستي است. فقر مطلق يا معيشتي معمولاً از طريق قيمت گذاري نيازمندي هاي اساسي زندگي اندازه‌گيري مي‌شود. براساس اين قيمت‌گذاري، خط فقر ترسيم شده و آن گاه كساني كه درآم دشان زير اين خط قرار مي گيرد به عنوان فقير تعريف مي‌شوند.

تاكنون كوشش‌هاي زيادي براي تعريف و عمليات كردن مفهوم فقر مطلق ـ يعني توصيف آن به شكل قابل اندازه گيري ـ صورت گرفته است . مثلاً درنووسكي و اسكات در اثرشان **شاخص سطح زندگي** (Level of Living Index) نيازه‌اي جسمي اساسي را به اين صورت تعريف كرده اند (Haralambos, Heald,1991: 140):

- تغذيه كه براساس فاكتورهايي از قبيل كالري و پروتئين دريافت شده اندازگيري مي‌شود؛
- سرپناه كه براساس كيفيت مسكن و ميزان تراكم و ازدحام در واحد مسكوني اندازه‌گيري مي‌شود؛
- سلامتي كه براساس فاكتورهايي از قبيل ميزان مرگ و مير اطفال و كيفيت و تسهيلات پزشكي در دسترس اندازه‌گيري مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

برخي تعاريف فقر مطلق از طريق پيش كشيدن فكر «نيازهاي اساسي فرهنگي» از مفهوم «فقر معيشتي» فراتر مي‌روند. در اين قبيل تعاريف فك ر نيازهاي اساسي انساني در زمينه اي گسترده‌تر از سطح مرتبط با بقاي جسماني مطرح مي شود. درنووسكي و اسكات در مقوله بنديشان از نيازهاي اساسي فرهنگي ، آموزش و پرورش و امنيت و اوقات فراغت و تفريح را نيز جاي مي‌دهند. سهم كودكان نام‌نويسي شده در مدرسه يكي از شاخص هاي سطح بهره مندي از امكانات آموزشي و پرورشي است؛ شمار مرگ هاي ناشي از خشونت نسبت به كل جمعيت ، شاخص امنيت است ؛ و ميزان اوقات فراغت نسبت به زمان كار ، يكي از سنجه هاي مربوط به استا ندارد اوقات فراغت و تفريح است.

مفهوم فقر مطلق در جامعه شناسي به طور وسيع ي مورد انتقاد قرار گرفته است. اين مفهوم بر پاية اين فرض بنا شده است كه حداقلي از نيازهاي اساسي وجود دارد كه براي همة مردم در همة جوامع يكسان است، حال آن كه به سهولت مي توان استدلال كرد كه توجي ه چنين حداقل هايي حتي برحسب غذا ، پوشاك و سرپناه بسيار دشوار است. چنين نيازهايي نه فقط در بين جوامع گوناگون بلكه حتي در داخل يك جامع ة واحد نيز متفاوت اند. از همين رو پيترتونسند استدلا ل مي كند كه تعريف نيازهاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

تغذيه‌اي بدون در نظر گرفتن نوع و مقتضيات مشاغل و شكل متعارف گذران اوقات فراغت در جوامع ، نه فقط دشوار بلكه غيرقاب ل پذيرش است. مثلاً ميزان نيازهاي تغذيه‌اي در جوامع ابتدايي كوچنده مبتني بر شكار و گردآوري خوراك تفاوت زيادي با ميزان نياز مردم جوامع نوين (مثلاً جوامع غربي) دارد. حتي در داخل جوامع نوع اخير نيز تفاوت زيادي در ميزان غذاي مورد نياز يك كارمند پشت ميزنشين و يك كشاورز كه روزانه 14 تا 16 ساعت در مزرعه كار مي‌كند وجود دارد. نظير همين انتقادات را مي‌توان در مورد سرپناه مطرح كرد. مثلاً جك و ژانت روش (Roach) استدلال مي‌كنند كه «زندگي شهري مستلزم در اختيار داشتن سرپناه مناسبي است كه نه فقط شخص را از باد و باران و غيره محافظت كند بلكه به محل مناسبي براي پخت و پز و نيز به تسهيلات آبرساني و دفع فاضلاب و زباله نيز مجهز باشد. در حالي كه همه اين مسايل در موقعيت زندگي روستايي اغلب به نحو ساده تري برطرف مي شود» (زاهدي، 1373).

اگر نيازهاي اساسي فرهنگي نيز مورد ن ظر باشد تعريف فقر مطلق بسيار دشوارتر خواهد بود. چنين نيازهايي از زماني به زمان ديگر و از مكاني به مكان ديگر متفاوت اند. وجه بارز اين تفاوت را مثلاً مي توان در مورد «امنيت» كه يكي از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نيازهاي اساسي فرهنگ ي در تعريف درنووسكي و اسكات است بيان كرد:

امنيت (خواه سياسي و خواه اقتصادي يا اجتماعي) براي اعضاي هر گروه اجتماعي د ر هر جامعه و در هر زمان خاصي مي تواند معني و مفهوم جداگانه و كاملاً متفاوتي داشته باشد . از لحاظ جامعه‌شناختي دلالت‌هاي امنيت گاه چنان متفاوت است كه هرگونه مقايسه و تعميمي را ناممكن مي كند. مثلاً امنيت مالي بيشتر مردم در اغلب جوامع تا يك قرن پيش متضمن تأمين مالي اين افراد در س نين سالخوردگي از سوي اعضاي جوان تر خانواده (اغلب فرزندان) بود. در حالي كه امروزه اين وظيف ة دولت‌ها يا طرح هاي بيمه خصوصي است كه به سالخوردگان حقوق بازنشستگي و مقرري ماها نه پرداخت كنند. افزايش طول عمر، كاهش بُعد خانوار و كوتاه‌تر شدن سن بازنشستگي شرايط بزرگسالان را كاملاً عوض كرده است و به اين ترتيب تعريف امنيت براي اين گروه در حال حاضر نسبت به يك قرن پ يش زمين تا آسمان فرق كرده است.

به منظور رفع نارسايي هاي اشاره شده ، بسياري از پژوهشگران از به كارگيري مفهوم استانداردهاي مطلق بر پايه انديشه نيازهاي جسمي و يا نيازهاي فرهنگي خودداري كرده و به جاي آن ، ايدة استانداردهاي نسبي را كه مبتني بر ويژگي هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

زماني و مكاني خاص است بسط د اده‌اند. به اين ترتيب در پژوهش هاي محلي و منطقه‌اي فقر، ايدة فقر مطلق تا حدود قابل ملاحظه اي جايگزين ايد ة فقر نسبي شده است . فقر نسبي برحسب داوري هايي اندازه‌گيري مي شود كه از سوي اعضاي يك جامع ة معين در مورد اين كه چه چيزهايي استاندارد معقول و پذيرفتني زيست و سبك زندگي برحسب مقتضيات روز را تشكيل مي دهند صورت مي‌گيرد. از اين منظر ديگر نمي توان استانداردهاي متفاو ت و معقول زندگي روستايي و به تبع آن مقياس هاي فقر روستايي را برحسب نگرش‌ها و ضابطه‌هاي زندگي شهري تعريف كرد. بلكه داوري دربارة آن را كه مبناي تعريف فقر روستايي قرار خواهد گرفت بايد يا به خود روستانشينان واگذار كرد و يا در وجه عملياتي‌تر و عقلاني‌تر، از يافته‌هاي مطالعات ميداني‌اي بهره گرفت كه توسط پژوهشگران كارآشنا در زمينه ارزيابي و سنجش سطح زندگي روستايي در شرايط زماني و مك اني مشخص صورت پذيرفته است. همان‌گونه كه مي توان حدس زد ، اين الزامات محدوديت‌هاي جدي و مهمي براي سياست‌گذاري‌هاي مشخص و فراگير و انجام اقدامات اجرايي گسترده در زمينة فقرزدايي، خاصه در نواحي روستايي به وجود مي‌آورد.

پيترتونسند استدلال مي كند كه «در داخل يك

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

جمعيت، افراد و خانوارها و گروه ها را آن گاه مي‌توان فقير خواند كه منابع تهي ة انواع غذاها، مشاركت در فعاليت ها، امكانات لازم براي زندگي و آرامش مألوف را از دست داده باشند يا دست كم موقعيت فقير بودنشان به طور وسيع، در داخل جوامعي كه به آن تعلق دارند، مورد تأييد و تصديق باشد. منابع در اختيار اين عده به طور جدي و اساسي از متوسط فردي يا خانوادگي متعارف كمتر است و در نتيجه اين گروه از افراد معم ولاً از زندگي اجتماعي، رسوم و فعاليت‌ها كنار گذاشته مي‌شوند (Haralambos, Heald,1991:142).

به اين ترتيب مي توان پذيرفت كه مفه وم فقر نسبي بدون توجه به نظرگاه هاي مورد توجه در مفهوم فقر مطلق كامل نخواهد بود. آمارتياسن در اثر مشهورش **فقر و گرسنگان** رهيافتي تحليلي به سوي «محروميت نسبي» (Relative Deprivation) به عنوان هستة اصلي تعريف مفهوم فقر در پيش مي گيرد، ولي در عين حال نشان مي دهد كه ايد ة نياز اساسي يا محروميت مطلق تنها راهي است كه براساس آن مي‌توان جايگاهي محوري براي س وءتغذيه در مفهو م فقر قائل شد. او مي نويسد «فقر عامل محروم يت است. تغيير جهت اخير در توجه از محروميت مطلق به نسبي خصوصاً در ادبيات جامعه شناختي، چارچوب مفيدي براي تحليل ارائة كرده است. اما محروميت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نسبي اساساً رويكرد ناقصي به فقر است . اين مفهوم، رويكرد اوليۀ بي‌چيزي مطلق را تكميل مي‌كند اما نمي تواند جانشين آن شود . رويكرد بسيار زيان‌آور و گمراه‌كنندۀ زيستشناختي ـ كه به حق سزاوار صورت‌بندي مجدد بنيادي است ولي نبايد آن را رد كرد ـ به همين مفهوم محوري تقليل‌ناپذير يعني محروميت مطلق بستگي دارد . از اين رو بايد موضوع گرسنگي يا بي غذا بودن را در مركز مفهوم فقر قرار داد» (Townsend,1993).

باتوجه به اين ديدگاه هاي اصلاحي است كه در يكي از جديدترين گزارش‌هاي بانك جهاني دربارۀ تحليل فقر(2005)، مفهوم فقير بودن اين گونه تعريف شده است: «فقر گرسنگي است. فقر نداشتن سرپناه است. فقر بيمار بودن و عدم توانايي مراجعه به پز شك است. فقر دسترسي نداشتن به مدرسه و ناآشنايي با خواندن است. فقر نداشتن شغل، هراس از آينده و هر روز فقط براي همان روز زنده ماندن است. فقر از دست دادن كودك به خاطر دسترسي نداشتن به آ ب پاكيزه است. فقر بي‌قدرتي است، فقدان بازنمايي و نداشتن آزادي است.»

3) روش‌هاي محاسبۀ خط فقر

اصطلاح خط فقر را نخستين بار چارلز بوت در جلد هفدهم اثر بزرگش « **زندگي و كار مردم در لندن** » به كاربرد (Marshal, 1998). بوت در اين مجلد ، درآمد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

را به عنوان مقياس فقر در نظر گرفت و خط فقر را سطحي از درآمد تعريف كرد كه خانوارها با آن قادر به پاسخگويي به نيازهاي ضروري براي گذران زندگي نباشند. از آن زمان تاكنون خط فقر با اصلاحات مستمري كه در نحوه تعريف و چگونگي محاسبة آن صورت گرفته در محاسبات مربوط به تعيين حجم و فراواني تعداد فقرا در جامعه به كار برده مي‌شود.

امروزه روشهاي محاسبة خط فقر بسيار متنوع است و بسته به اين كه كدام مفهوم از فقر مورد نظر باشد روش محاسبه نيز فرق خواهد داشت. اهم روشهايي كه در اين مورد به كار برده مي شود از اين قرارند (خداداد كاشي، 1381):

- روش اندازه‌گيري خط فقر براساس كالري مورد نياز (بر پاية مفهوم فقر مطلق).
- روش اندازه‌گيري خط فقر براساس درصد معيني از ميانگين مخارج (بر پاية مفهوم فقر نسبي).
- روش تعيين خط فقر براساس درصد معيني از ميانة مخارج خانوارها (بر پاية مفهوم فقر نسبي).
- روش تعيين خط فقر بر پاية معكوس ضريب انگل؛ اين شاخص از طريق محاسبة نسبت ميان مخارج خوراكي خانوار به كل درآمد خانوار، پايگاه اقتصادي خانوار را مشخص مي‌كند. اين نسبت هر چه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بزرگتر باشد بازگوي پايگاه اقتصادي و سبك زندگي نازلتري است زيرا بزرگتر بودن آن به اين معني است كه خانواده هم ة درآمد يا گاهي اوقات حتي مبلغي بيش از درآمد دريافتي را صرف هزينه هاي خوراكي مي‌كند. اين روش بر پاية مفهوم عيني فقر استوار است. براي محاسبة خط فقر بر مبناي اي ن روش، نخست ضريب انگل براساس مدل هاي اقتصادسنجي برآورد مي شود و سپس مخارج خوراكي خانوا ر در معكوس ضريب انگل ضرب مي‌شود.

- روش اندازه‌گيري خط فقر بر پاي ة معكوس ضريب انگل فقرا (بر پاية مفهوم عيني فقر).

روش FGT؛ اين روش كه به نام طراحان آن فاستر (Foster)، گرير (Greere) و توربك (Thorbeke) به اين نام خوانده مي شود يكي از پيشرفته ترين روش هاي اندازه‌گيري فقر است . ەدف از ابداع اين روش رفع نارسايي‌هاي روش هاي ساد ة اندازه‌گيري خط ف قر بوده است كه عمق و شدت فقر را مشخص نمي كنند. اين كاستي باعث شد كه سن در سال 1976 خصوصيات يك شاخص فقر مناسب را تبيين كند . پس از او فاستر، گرير و تور بك موفق شدند گروهي از شاخص‌هاي فقر را ارائة دهند كه خصوصيات مورد نظر سن را برآورده مي‌كنند (عرب مازار و ح سيني‌نژاد، 1383). آن‌ها نشان دادند كه روش پيشنهادي شان كه مبتني بر «بررسي نامتمركز» (Noncentral) فقر است به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

سبب خص وصيت اصلي آن يعني «تجزيه‌پذيري» (Decomposability) بهترين روش براي مطالع ة فقر به شمار مي‌آيد. در اين روش، جامع‌ة مورد بررسي به گروه‌هاي مختلفي تقسيم و ميزان سهم هر يك از اين گروه‌ها در فقر عمومي برآورد مي شود. بر مبناي اين روش مي‌توان شاخص‌هاي اصلي شناخت فقر بر طبق نظرگاه سن، مشتمل بر «نسبت سرشمار» (Headcount Ratio) يا «نقطه اصابت فقر » (Incidence Poverty Point)، شكاف فقر (Poverty Gap)، «نسبت شكاف فقر» (Poverty Gap Ratio) و نيز «شدت فقر» (Severity of Poverty) را به دست آورد . شاخص شدت فقر از آن جهت كه تمركز بر گروه فقي‌رترين فقرا را امكان پذير مي كند، بهترين شاخص به‌شمار مي‌آيد (همان). لازم به يادآوري است كه براي محاسب‌ة شاخص FGT در يك جامعه لازم است كه ابتدا خط فقر در آن جامعه، بر اساس يكي ازي روش‌هاي پيش گرفته، محاسبه شود.

4) فقر روستايي

به گزارش ايفاد در سال 2001 حدود 1/2 ميليارد نفر در جهان در شرايط «فقر مصرفي حاد» (Extrem Consumption Poverty) قرار داشته اند. بيش از دوسوم اين افراد در آسيا بوده اند كه جنوب آسيا به تنهايي حدود نيمي از آن ها را در بر مي گيرد و حدود يك چهارم نيز در صحراي افريقا بوده‌اند. سه چهارم از اين فقرا (يعني 900 ميليون نفر) در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نواحي روستايي كار و زندگي مي‌كنند؛ و جالب اين كه پيش‌بيني شده است كه بيش از نيمي از آن ها در سال 2025 نيز در همين شرايط قرار داشته باشند (IFAD, 2001).

مؤسسة نان براي جهان نيز در گزارش گرسنگي سال 2005 گزارش مي‌كند شمار گرسنگان جهان در سال 2005 حدود 852 ميليون نفر است؛ يعني به تقريب، از هر شش نفر سكنان كرة زمين يك نفر گرسنه است. براساس همين گزارش از هر 4 نفر كساني كه در جهان امروز دچار گرسنگي اند، 3 نفر در نقاط روستايي زندگي مي كنند و كشاورزان خرده پا بيشترين درصد از مردم گرسنة جهان را تشكيل مي‌دهند. در اين گزارش تصريح شده است كه فقيرترين و حاشيه ايترين گروه ها در جهان، كشاورزان خرده‌پا و روستاييان بي زمين‌اند كه سه چهارم از مردم گرسنه يا مبتلا به سوءتغذيهٔ جهان را تشكيل مي دهند (تقويت اجتماعات روستايي، 2005).

در ايران نيز مطالعات انجام شده بازگوي آن است كه مهم ترين گروه هاي اجتماعي درگير فقر در اجتماعات روستايي به ترتيب عبارتند از: بيكاران؛ خانوارهاي تحت سرپرستي زنان؛ چوپانان؛ كارگران روستا؛ ماهيگيران خرده‌پا؛ سالخوردگان و از كارافتادگان؛ و روستاييان بي زمين؛ و همچنين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

گروه هاي اجتماعي به شدت آسيب پذير در مقابل فق ر عبارتند از : كشاورزان خرده پا؛ و بهره برداران م عيشتي كه عمدتاً در واحدهاي بهره برداري كوچك و م توسط به كار اشتغال دارند (زاهدي و عبقري، 1375).

4-1) روند اندازه‌گيري فقر روستايي در كشور

اگرچه ادبيات اجتماعي در ايران، از شعر و حكايت گرفته تا آثار جغرافي شناسان و سفرنامه نويسان خارجي و داخلي سرشار از اشارات روشن مس تقيم و نامستقيم به وضعيت اسفبار، ستمكشي ذلتبار و فقر شديدي است كه در خلال قرون متمادي در نواحي روستايي ايران حاكم بوده ا ست و نيز گرچه وجود رسومي نظير «تقاوي»، «التجأ»، «زكوت»، «صدقه»، «كوچين» و «نان سفر ه» و نظام هايي از قبيل «اكاره»، « بازياري»، «ته بافه جمع كني» و «سلففروشي» و روش هايي از قبيل «نوني» و «كل كردن» دلالت روشني بر ديرين گي فقر در نواحي روستايي كشور دارند اما اين فقط اجراي اصلاحات ارضي دهه 1340 بود كه شرايط مناسب و مساعد براي توجه روشمند به فقر روستايي و كوشش هاي سازمان‌يافته براي شناخت و تحليل آن را فراهم ساخت.

نخستين‌بار نيكي كدي (Nikki Keddie) از طريق مقايسة نتايج دو تحقيق كه يكي در س ال 1954 (قبل از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

اصلاحات ارضي) و ديگري در سال 1967 (پس از اصلاحات ارضي) صورت گرفته بود به مقايس ة روستاهاي ايران قبل و بعد از اصلاحات ارضي پرداخت و ضمن اين مق ايسه به نتايج نابرابري‌آفرين اصلاحات ارضي و ف قرزايي حاصل از آن براي برخي گروه هاي اجتماعي موجود در روستاها اشاره كرد. كدي ابتدا براساس نتايج مطالع ة سال 1954، قشرهاي اجتماعي موجود در روستاها را به 14 گروه تقسيم‌بندي كرد كه به ترتيب منزلت اجتماعي از اين قرارا ند:

- زمينداران غايب از جمل ه معتمدين و متولي ان اراضي دولتي، سلطنتي و موقوفه؛
- وام‌دهندگان غايب؛
- صاحب‌منصبان روستا مشتمل بر كدخدا ، عامل كدخدا، آبيار، دشتبان و غيره؛
- مالكان كوچك غيركشتكار؛
- وام‌دهندگان كوچك غيركشتكار؛
- غيركشتكاران اجاره‌دهندة وسايل توليد (معمولاً گاو و گاهي آب)؛
- سرپرست غيركشت كار گروه كار زراعي، فراهم‌كنندة حداقل يكي از وسايل توليد [= گاوبند]؛
- مالكان كشتكار كوچك؛
- كشتكاري كه مبلغي ثابت اجاره مي پردازد؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

- كشتكار سرپرست گروه كار [= سربنه]؛
- سهم‌بري كه بعضي از وسايل توليد (معمولاً گاوكار) را در اختيار داشته و رييس گروه كار هم نيست؛
- سهم‌بري كه تنها نيروي كارش را مي فروشد اما يك پست ثابت در گروه كار يا در واحد زراعي دارد [= پابنه]؛
- كارگراني با دستمزد ثابت نقدي و جنسي [= كارگر و برزگر]؛
- كارگران فصلي بدون داشتن جايگاهي در گروه كار يا زمين كه اغلب در فصول اوج فعاليت‌هاي كشاورزي كار مي‌كنند [= كارگر فصلي] (كدي، 1360: 8 و 9)؛

كدي سپس از طريق مقايسة اين اقشار با اقشار احصا شده در مطالعة 1964 نتيجه مي‌گيرد كه در اثر اجراي اصلاحات ارضي تنها لايه هاي 1 و 2 از قشربندي چهارده‌گانه ياد شده حذف شدند و بقية قشرها باقي مانده و حتي موقعيت‌شان تثبيت شد. بر طبق تحليل كدي قانون اصلاحات ارضي در زمين واگذاري زمين، اولويت را به آن‌هايي داد كه صاحب وسايل توليد بودند. در عمل اين بدان معنا بود كه غيركشتكاران رده‌هاي 5 و 6 و 7 زمين دريافت كردند در حالي كه زارعين رده هاي 12 و 13 و 14 كه شايد 40 تا 50 درصد روستاييان را شامل مي شدند از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

دريافت زمين محروم ماندند (كدي، همان: 10). اين اشاره دلالت ضمني دارد بر فقيرتر شدن برخي گروه‌هاي اجتماعي در روستاها پس از اجراي اصلاحات ارضي.

بررسي تحليلي ديگري نيز در بارة همين دوره وجود دارد كه توسط حسين عظيمي صورت گرفته و اطلاعات كمي دق يقتري را در اين خصوص به دست مي‌دهد. اين تحليل كه در سال 1362 در مقاله‌اي با نام «توزيع زمين و درآمد در آستان ة اصلاحات ارضي» منتشر شد به طور ضمني بازگوي آن است كه اصلاحات ارضي عمدتاً در جهت تشديد نابرابري هاي اجتماعي عمل كرده است . عظيمي اين نتيجه را تلويحاً و از طريق اثبات اين موضوع كه الگوي توزيع درآمد (و نه الگوي توزيع زمين) در دوره قبل از اجراي اصلاحات ارضي در اجتماع روستايي بالنسبه متعادل بوده است به دست مي دهد. او در اين بررسي پنج الگوي توزيع متفاوت را مح اسبه كرده بود كه از اين قراراند : الف) توزيع زمين كشاورزي بين بهره برداران؛ ب) توزيع محصول ناخالص كشاورزي بين بهره برداران؛ ج) توزيع محصول خالص كشاورزي بي ن بهره برداران پس از پرداخت سهم ارباب؛ د) توزيع محصول خالص كشاورزي بين بهره برداران پس از پرداخت سه م برزگران و دهقانان بي زمين؛ و ه) توزيع درآمد كشاورز ي و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

غيركشاورزي بين بهره‌برداران.

در هر يك از اين توزيع هاي پنج گانه، عظيمي كوشيد كه وضعيت توزيع را براساس ضرايب جيني در استان‌هاي 14 گانة آن روز كشور بازگو كند . دو توزيع اول و پنجم مستقيماً به موضوع سنجش فقر و نابرابري در روستاها مربوط مي شوند. در مورد توزيع اول به ترتيب استان‌هاي «اربابخيز»تر كرمان (0/74)، اصفهان و يزد و نيز سيستان و بلوچستان (0/69)، خراسان (0/65) و مازندران (0/61) شديدترين نابرابري‌ها در توزيع زمين ، و منطقة عشايرنشين چهارمحال و بختياري (0/36) كمترين ميزان نابرابري را داشته اند؛ و در مورد توزيع پنجم نيز مجدداً كرمان (0/47)، خراسان (0/44)، سيستان و بلوچستان (0/43) و مازندران (0/38) شديدترين نابرابري‌ها و چهارمحال‌وبختياري (0/15) و اصفهان و يزد (0/16) خفيفترين نابرابري را در توزيع درآمد كشاورزي و غيركشاورزي بين بهره برداران ر وستايي داشته اند (عظيمي، 1362).

عظيمي همچنين در چارچوب همين رشته از مطالعات، براساس آمارهاي مصرف خانوارهاي شهري و روستايي ايران، خط فقر را براي سال 1351 برآورد كرده است. اين خط فقر كه با توجه به محتواي تغذيه‌اي هزينه هاي خانوار در مناطق شهري و روستايي كشور برآورد گرديده در جدول شماره 1

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بازگو شده است (عظيمي، 1371: 204).

جدول 1: خط فقر و درآمد سرانة مناطق شهري و روستايي در سال 1351 (به ريال)

مناطق	خط فقر		درآمد سرانه	خط فقر به صورت درصدي از درآمد سرانه	
	حداقل	حداكثر		حداقل	حداكثر
شهري	12400	30870	64750	19	47
روستايي	9630	21910	15960	43	137

نخستين مطالعة جامع فقر در كشور در سال هاي 1353 و 1354 براساس آمارهاي مصرف خانوارهاي شهري و روستايي در مؤسسة برنامه‌ريزي ايران صورت پذيرفت. در اين مطالعه ضمن بررسي تفصيلي ابعاد فقر و ارتباط آن با مسايل توسعة اقتصادي و الگوي توزيع درآمد، مشخص شد كه فقر در ايران بسيار گسترده است. نتايج مطالعه بازگوي آن بود كه حدود 47 درصد از جمعيت شهري و 48 درصد از جمعيت روستايي كشور در آن زمان دچار فقر تغذيه‌اي بوده‌اند (عظيمي، همان: 203).

از الگوي توزيع درآمد در نقاط روستايي كشور در دهة اول پس از پيروزي انقلاب اسلامي اطلاع دقيقي در دست نيست. اگرچه در سال هاي نخستين پس از پيروزي انقلاب اجراي اصلاحات ارضي اسلامي و به ويژه تأكيد ايدئولويك و سازمان‌يابي شدة هيأت‌هاي هفت نفري در زمينة واگذاري زمين به روستاييان تهيدست و بي زمين مي توانست موجبات بهبود نسبي وضعيت تهيدستان روستايي را فراهم سازد ولي به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نظر مي رسد كه وقايع بعدي از جمله بروز جنگ تحميلي، تورم بالا، توقف زودهنگام اصلاحات ارضي اسلامي و كاهش شديد توليد ناخالص داخلي مانع از آن شده باشد كه در مقياس كلي سطح زندگي همگاني در نواحي روستايي بهبو د يافته و در مقياس خاص موقعيت اقتصادي فقراي روستا ارتقا پيدا كند. به هر حال، فقدان مطالعات روشمند در اين زمينه مانع از آن است كه بتوان در اين مورد اظهارنظر درست و قاطع كرد . اكثر مطالعات انجام شده در اين دوره جنبة محلي و محدود داشته و مربوط به مطالعات موردي يا موضوعي خاص است و به دليل فقدان پايه هاي روش شناختي واحد و ناهمزماني مقاطع، اجازة يك بررسي تطبيقي را نمي‌دهد.

در سال 1369 طرح جامع «مطالعات مصرف مواد غذايي و تغذيه در كشور» از سوي انستيتو تحقيقات تغذيه‌اي به سفارش وزارت كشاو رزي در 24 استان كشور آغاز گرد يد. اگرچه قسمتي از نتايج اين مطالعه جامع در دة 1370 براي محاسبات مربوط به ميزان امنيت غذايي و ضريب خودكفايي توليدات كشاورزي مورد اس تفاده قرار گرفت اما براي اندازه‌گيري حجم فقر در جامعه يا به عنوان اطلاعات واسط براي محاسبه خط فقر تاكنون مورد استفاده قرار ن گرفته است كه اين عدم كاربرد محتملاً ناشي از نحو ة سازماندهي يافته هاي اين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

مطالعات است. بر طبق نتايج اين مطالع ة جامع، اگرچه ميزان عرض ة غذا در كشور بيش از حد نيازمنديهاي غذايي جامعه بوده اما در دور ة بررسي، حدود 20 درصد از مردم به غذاي كافي (از بعد كميت) دسترسي نداشتند و مصرف سران ة انرژي آنان كمتر از 80 تا 90 درصد حد نياز بوده است (طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذايي، 1370ـ73).

از آغاز ده ة 1370 مطالعات مربوط به شناخت و تحليل فقر روستايي در كشور به تدريج رونق گرفت. از زمره برجسته‌ترين اين مطالعات مي توان به اين موارد اشاره كرد:

- مطالعه پيرامون **«اشتغال و فقر در جامعه روستايي ايران»** كه به سفارش وزارت جهادسازندگي براي ارايه به سمينار بين المللي اس كاپ انجام شد و نتايج آن نشان مي دهد كه 43/7 درصد از جمعيت كشور، معادل 23/8 ميليون نفر، زير خط فقر قرار داشته‌اند. 39/6 درصد از اين جمعيت فقير در روستاها و مابقي در شهرها به سر مي بردند (اشتغال و فقر در جامعه روستايي ايران، 1371: ث).

- پژوهش دربارة **«سياستهاي حمايتي از قشرهاي آسيب‌پذير»** كه از سال 1370 زير نظر جمشيد پژويان در معاونت ام ور اقتصادي وزارت دارايي آغاز شد. نتايج اين مطالعه بازگوي آن است كه طي دور ة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

1362 تا 1368 سهم 20 درصد ثروتمندترين افراد روستايي از 46/53 درصد به 50/1 درصد افزايش يافته و در عين حال ضريب جيني در جامعة روستايي نيز از 0/389 به 0/372 رسيده كه معرف ايجاد تعادل بيشتر در نظام توزيع درآمد در جامعه در اين دوره است (پژويان، 1373: 15).

- كوشش ديگر در اين زمينه، مطالعه اي است كه تحت عنوان **«فقر و آسيب پذيري روستايي»** از سال 1372 تا 1375 در مؤسسة پژوهشهاي برنامه ريزي و اقتصاد كشاورزي زير نظر زاهدي انجام شده است. بخش كشوري اين مطالعه در سال 1375 در مجموعه مقالات **«فقر و آسيب پذيري روستايي»** تحت عنوان «روستاييان فقير و آسيب پذير: خطوط اساسي براي شناسايي قشرهاي فقير وآسيب پذير روستايي» منتشر شد. نتايج مطالعه بازگوي آن است كه در جامعة روستايي كشور، هفت گروه اجتماعي و شغلي را ميتوان به اعتبار منزلت اجتماعي، پايگاه شغلي، سطح قدرت اجتماعي و وضعيت زندگي، فقير به حساب آورد اين هفت گروه مشتملاند بر: بيكاران، خانوادههاي تحت سرپرستي زنان، چوپانان، ماهيگيران خردهپا، كارگران روستا، سالخوردگان و از كارافتادگان روس تايي و بالاخره روستاييان بيزمين» (زاهدي و عبقري، 1375: 42).

همچنين بر طبق نتايج اين بررسي از مجموع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

4263403 خانوار روستايي و عشايري ساكن در نقاط غيرشهري در سال 1370، جمعاً 788593 خانوار يعني حدود 18/5 درصد از فقر مزمن رنج مي برده يا به اعتبار درآمد اندك در وضعيت آسيب پذيري شديد قرار داشته‌اند.

- كوشش گسترده و شايان ذكر ديگر در اين زمينه، مطالعه اي است كه زير نظر فرهاد خداداد كاشي تحت عنوان **«اندازه‌گيري انواع خط فقر، شكاف فقر، شاخص فقر »** با استفاده از نتايج آمارگيري‌هاي هزينه و درآمد خانوارهاي شهري روستايي براي دورة زماني 1363 تا 1379 در پژوهشكدة آمار صورت گرفت. در اين مطالعه خداداد كاشي با كاربرد 5 روش اصلي اندازه‌گيري خط فقر كوشيده است كه خطوط فقر را بر پاية مفاهيم فقر مطلق و فقر نسبي براي جوامع شهري و روستايي در فاصلة زماني ياد شده برآورد كند. نتايج اين كوشش براي جامعة روستايي در جدول شمارة 2 بازگو شده است.

جدول شماره 2

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

همان‌گونه كه در جدول مي‌توان ديد در دورة 1363 تا 1379 خط فقر روستايي رشد سالانه اي عموماً معادل 22 درصد داشته است. با توجه به اين كه ميزان اين رشد سالانه از رشد درآمد و توليد بيشتر است مي‌توان پذيرفت كه در طي سال هاي مورد بررسي، پيوسته بر دامنه و حجم فقر روستايي افزوده شده است و هر ساله تعداد بيشتري از افراد و خانوارهاي روستايي به دلايلي از قبيل بيكاري، سالخوردگي و ازكارافتادگي، فوت همسر، عدم تعادل ميان درآمد و هزينه و همچنين به سبب خسارت‌هاي اقتصادي ناشي از بروز حوادث غيرمترقبه طبيعي از قبيل خشكسالي، سيل ، تگرگ، زلزله و امثال اين‌ها به خيل فقراي روستايي پيوسته اند و در مقابل، براي گروه هاي اسير شده در تل ة فقر، فرصت رهايي از فقر و محروميت فراهم نشده است.

- مطالعة شايان ذكر ديگر، كوششي دانشگاهي است كه به صورت پايان نامة تحصيلي دورة كارشناسي ارشد زير نظر عباس عربمازار تحت عنوان «**برآورد ميزان فقر و شدت آن در گروه هاي مختلف شغلي خانوارهاي روستايي ايران**» انجام پذيرفته است (عربمازار و حسيني نژاد، 1383). بخشي از يافته‌هاي اين مطالعه (شاخص شكاف فقر) كه با استفاده از روش پيشرفتة FGT صورت گرفته در جدول شمارة 3 بازگو شده است. اين مطالعه نشان مي دهد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

كه شكاف فقر در سال 1379 در نمونه هاي مورد بررسي 42 درصد است. به اين معني كه درآمد خانوارهاي فقير در جامع ة نمونه به طور متوسط حدود 42 درصد كمتر ا ز خط فقر جامعه روستايي بوده است. بيشترين ميزان شكاف فقر (58 درصد) در گروه بيك اران و از كارافتادگان مشاهده شد. از سوي ديگر با توجه به مناطق جغرافيا يي سكونت خانوارهاي روستايي فقير، مناطق مركزي نسبت به بخش‌هاي ديگر شكاف فقر بيشتري داشته اند، حال آن كه خانوارهاي فقير در منطقة جنوبي داراي كمترين شكاف فقر (37 درصد) بوده اند. كمترين شكاف و عمق فقر به خانوارهايي تعلق داشته كه سرپرست آن ها به صورت استخ دامي در بخش خصوصي شاغل بوده است. در اين گروه شكاف فقر به طور متوسط عددي حدود 30 درصد را نشان داده است. پس از اين گروه ، دارندگان مشاغل آزاد خدماتي با 32 درصد شكاف فقر كمترين فاصله را از خط فقر داشته اند. شاغلان مستقل بخش كشا ورزي به طور متوسط 24 درصد پايين‌تر از خط فقر قرار داشته اند كه در اين گروه بيشترين و كمترين شكاف به ترتيب مربوط به ساكنان نواحي غربي (31 درصد) و جنوبي (16 درصد) بوده است. در ميان فقراي مشاغل آزاد ، آن‌ها كه در بخش خدمات قرار داشته اند تنها 11 درصد از خط فقر پايين‌تر بوده اند ولي در مشا غل توليدي اين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

رقم به 18 درصد مي‌رسد كه باز هم بيانگر شرايط نامطلوب توليدكنندگان اين بخش نسبت به خدمات در جامعة روستايي كشور است.

جدول 3: شاخص شكاف فقر در گروه‌هاي مختلف خانوارهاي روستايي در سال 1379

	بيكاران و ازكارافتادگان	استخدام شوندگان			شاغلان آزاد		كشاورزان	كل
		بخش خصوصي	بخش عمومي	بخش تعاوني	توليدي	خدماتي		
نواحي شمالي (1)	0/55	0/53	0/31	0/36	0/33	0/34	0/30	0/40
نواحي غربي (2)	0/57	0/28	0/34	0/37	0/39	0/33	0/44	0/42
نواحي مركزي (3)	0/66	0/29	0/31	0/38	0/35	0/22	0/42	0/45
نواحي جنوبي (4)	0/44	0/22	0/39	0/33	0/31	0/32	0/33	0/37
نواحي شرقي (5)	0/60	0/24	0/39	0/38	0/42	0/36	0/29	0/42
كل	0/58	0/30	0/33	0/37	0/37	0/32	0/35	0/42

مأخذ: عربمازار و حسينينژاد، 1383، ص 135.

1) شامل استان‌هاي گيلان، مازندران، گلستان و اردبيل.

2) شامل استان هاي آذربايجان شرقي و غربي، كرمانشاه،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

كردستان، همدان، چهارمحال و بختياري، لرستان، ايلام، كهگيلويه و بويراحمد و زنجان.
3) شامل استان‌هاي مركزي، اصفهان، سمنان، يزد، تهران، قم و قزوين.
4) شامل استان‌هاي خوزستان، فارس، بوشهر و هرمزگان.
5) شامل استان‌هاي خراسان، سيستان و بلوچستان و كرمان.

- و بالاخره، كوشش ديگر در اين زمينه مربوط به پژوهشي است كه زاهدي در زمين ة بررسي «**توان پس‌انداز خانوارهاي روستايي و آثار آن بر مشاركت روستاييان در فرآيند توسعه** » انجام داده است (زاهدي، 1384). اين مطالعه نشان مي‌دهد كه بيش از 59 درصد خانوارهاي روستايي نه فقط توان پس‌اندازگذاري مثبت را ندارند بلكه توان پس‌اندازگذاري آنان منفي است . منفي بودن توان پس‌اندازگذاري بازگوي عدم تعادل ميان هزينه و درآمد در سطح متوسط در روستاها و يا به سخن ديگر برتري هزينه‌هاي خانوار بر ميزان درآمد خانوار است. طبيعتاً در چنين مواردي فقط با استفاده از سازوكار استقراض مي‌توان شرايط بقاي خانوار را فراهم ساخت و اين فرايند را قبل از هر چيز بايد به معناي وجود تل ة فقر و م حروميت در نقاط روستايي تلقي كرد. برخي از نتايج اين پژو هش در زمين‌ة الگوي توزيع درآمد در نقاط روستايي كشور به قرار زير است:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

4-2) الگوي توزيع درآمد در نقاط روستايي كشور

4-2-1) طبقات درآمدي روستاييان

نتايج آمارگيري هاي هزينه و درآمد خانوارهاي روستايي بازگوي آن است كه روستاييان كشور عمدتاً كم‌درآمدند و بخش مهمي از آنان بر طبق معيارهاي متداول جهاني فقير محسوب مي‌شوند. در جدول شمارة 4 طبقات درآمدي خانوارهاي روستايي براساس نتايج تفصيلي آمارگيري از هزينه و درآمد خانوارهاي روستايي در سال 1378 بازگو شده است. اگر بر طبق تعريف بانك جهاني درآمد كمتر از يك دلار در روز شاخص خط فقر مطلق در نظر گرفته شود ، پنج طبقه درآمدي اول جدول كه معادل 83 درصد از كل خانوارهاي نمون ة روستايي در جريان آمارگيري اشاره شده اند، كلاً زير خط فقر قرار مي‌گيرند و آنان را مي‌توان خانوارهاي فقير و نيازمند حمايت به شمار آورد.

اغلب اين خانو ارهاي فقير به گ روه روستاييان بي‌زمين و يا زمينداران خرده پا تعلق دارند و مشخص‌ة بارز زندگي اقتصادي آن‌ها غلبة سهم درآمدي مربوط به منابع مزد و حقوق و درآمدهاي متفرقه (اغلب اعانات) است. قدر نسبي درآمد حاصل از مزد و حقوق در بين اين گروه از حداقل 28/4 درصد تا 34/1 درصد و سهم درآمدهاي متفرقه از 44/6 درصد تا 20/1 درصد نوسان دارد . در بين فقيرترين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

خانوارهاي روستايي اين گروه فقط 27 درصد درآمدها از مشاغل آزاد تأمين مي شود و پردرآمدترين خانوارهاي گروه نيز فقط 46 درصد از درآمدشان را از طريق مشاغل آزاد به دست مي‌آورند. اين وضعيت به روش ني بازگوي محدوديت امكانات سرمايه‌گذاري در مشاغل درآمدزا در بين خانوارهاي اين گروه و وابستگي اقتصادي آنان به فعاليت كارگري و دريافت انواع مستمري‌هاست.

اين واقعيت كه حتي درآمد اندك اكثريت روستاييان از منابع اغلب متنوعي به دست مي آيد معرف يك وضعيت دووجهي ناهم ساز و بلكه متضاد است. طبيعتاً تنوع منابع درآمدي با توجه به شرايط به شدت مخاطره آميز و آسيب‌پذير فعاليت‌هاي اقتصادي در نقاط روستايي مي تواند به معناي نوعي چتر حمايتي يا سپر مصونيتي براي خانوارهاي روستايي باشد اما از سوي ديگر مي توان تصور كرد كه اكثريت روستاييان از فعاليت اقتصادي اصلي‌شان درآمد كافي و مورد انتظار را به دست نمي‌آورند و ناگزير از آنند كه امكانات كاري و سرمايه اي محدودشان را بين فعاليت هاي كم درآمد متنوعي تقسيم كنند كه اين به نوبه خود به كاهش بهره‌وري، تقليل درآمد و اسارت مزمن در تلة فقر منجر مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

2-2-4) منابع درآمد

منابع درآمدي خانوارهاي روستايي، براساس اين مطالعه، متنوع گزارش شده است و اين يكي از ويژگي‌هاي مهم نظام اقتصادي روستا به شمار مي‌آيد. مطالعه نشان داد كه از حيث متوسط درآمد، گروه‌هاي اصلي مشاغل موجود در جامع ة روستايي را مي‌توان به سه دسته تقسيم كرد:

الف) مشاغل با درآمدزايي بالا ؛ بالاترين متوسط درآمدها به ترتيب به ماهيگيري، حمل و نقل و ارتباطات، عمده فروشي و خرده فروشي ، است خراج معدن، بهداشت و مددكاري اجتماعي، آموزش و پرورش و ادارة امور عمومي تعل ق دارد . سه گروه آخر دربرگيرندة مشاغل حقوق بگيري در نقاط روستايي است كه در مواردي شاغلان آن ها حتي غير روستايي بوده و فقط به اعتبار نوع شغل موقتاً در روستا سكونت دارند.

ب) مشاغل با درآمدزايي متوسط ؛ اين دسته ، شامل مشاغل گروه صنعت (ساخت) ، تأمين برق و گاز (و انرژي)، [خدماتي از نوع] هتل و رستوران داري (كه در نق اط روستايي عمدتاً منحصر به قهوه خانه است) و كشاورزي و دا مپروري و شكار و جنگل داري است.

جدول 4

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

ج) مشاغل با درآمدزايي پايين؛ فعاليتهايي (از نوع) خدمات عمومي و اجتماعي، مستغلات و اجاره ، دفاتر و ادارات مركزي را دربرميگيرد كه از حيث ميزان درآمد پايينترين سطوح درآمدي در اجتماعات روستايي را به خود اختصاص دادهاند.

4-2-3) توزيع درآمد (دهكهاي درآمدي)

اطلاعات آمارگيري هزينه و درآمد خانوارهاي روستايي بازگوي وجود نابرابري بالنسبه شديد در توزيع درآمد در نقاط روستايي است. در جدول شمارة 5 چگونگي توزيع درآمد در بين خانوارهاي روستايي نمونه براساس دهكهاي درآمدي بازگو شده است. جدول نشان ميدهد كه متوسط درآمد دهك بالايي (دهم) 28/4 برابر متوسط درآمد دهك پاييني (اول) است. اين وضعيت معرف شدت نابرابري و عمق شكاف درآمدي موجود بين گروههاي بالايي و پاييني جمعيت در جامعة روستايي است. نكتة مهم آن است كه هر چه از دهك اول به دهك دهم نزديكتر شويم از شكاف درآمدي ميان هر دو دهك متوالي كاسته شده و در مقابل بر عمق شكاف درآمدي ميان آن دهك و دهكهاي قبليتر افزوده مي شود. محاسبات نشان مي دهد كه متوسط مجموع درآمد دهك هاي اول تا ششم ، يعني درآمد 60 درصد از جمعيت روستايي كشور ، كمتر از متوسط درآمد دو دهك بالايي جامعه است. همچنين 90 درصد جمعيت روستايي كشور فقط 65 درصد ارزش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

افزودة اقتصاد روستايي را در اختيار داشته و 35 درصد درآمد در اختيار فقط 10 درصد از ثروتمندترين ساكنان روستاها است. شايان ذكر است كه بر مبناي ارقام جدول ضريب جيني در نقاط روستايي در سال 1378 معادل 0/450 بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

5) بحث و نتيجه‌گيري

مقايسة مطالعات مربوط به فقر روستايي ـ از مطالعه كدي گرفته تا م طالعه عرب‌مازار ـ بازگوي تحول روش‌شناختي ارزشمند و درخور تو جهي است. در طي اين 4 دهه به طور پيوسته بر ميزان دقت علمي و روشمندي مطالعات افزوده شده است و مجموع ة آن‌ها شناخت بالنسبه خوبي از وضعيت فقر در جامع ة روستايي كشور و دامنه و روند آن در جامع ة روستايي به دست مي‌دهند كه تا قبل از انجام اين مطالعات وجود نداشت . با اين حال ، اگرچه اين مطالعات اطلاعات ا رزشمندي دربار ة وضعيت عمومي فقر، الگوي توزيع درآمد و ساختار طبقاتي در روستاها به دست مي دهند اما نارسايي هاي اساسي آن‌ها را نمي‌توان ناديده گرفت . مسئلة اساسي آن است كه اطلاعات حاصل از اين مطالعات هنوز هم براي تدوين استراتژي‌هاي دقيق و هدفمند فقرزدايي از روستاها كافي نيست.

در دور ة زماني تحت پوشش اين مطالعات جام عة روستايي ايران دستخوش دگرگوني هاي بسيا ر مهمي شده است كه ساختار طبقاتي ، الگوي توزي ع ثروت، مناسبات اجتماعي و نظام هاي توليدي موجود در روستاها را گاه چندين بار به طور ش الوده اي تغيير داده است. اجراي اصلاحات ارضي و خلع يد از اربابان، تشكيل كشت و صنعت ها و شركت هاي سهامي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

زراعي و تعاوني هاي توليد، ت جميع برخي آبادي ها در قالب حوزه هاي عمراني، ت شديد مهاجرت از روستاها به شهرها، بروز انقلاب اسلامي و به دنبال آن اجراي اصلاحات ارضي اسلامي، تغيير مداوم رابطة مبادلة شهر و روستا، اجراي طرح هاي ويژه فقرزدايي از روستا و حمايت از روستاييان كه شامل طرح هايي از قبيل طرح شهيد رجايي، اقدامات حمايتي كميتة امداد امام خميني، حمايت از زنان سرپرست خانوار در روستاها، اعطاي اعتبارات خرد به گروه هاي آسيب‌پذير روستايي، شهرگرايي و نفوذ الگو و سبك زندگي شهري در روستاها ، انجام اقدامات عمراني قابل توجه در نقاط روستايي، گسترش چشمگير آموزش و پرورش در روستاها، انتقال طبيعي تورم مستمر و كمرشكن به جامعه روستايي، تشديد بيكاري در نقاط روستايي، تجاري شدن الگوي كشت حتي در واحدهاي بهره برداري سنتي خرد و كوچك، ارا ئة يارانه‌هاي قابل توجه به توليدكنندگان كشاورزي، سازماندهي نظام قيمتگذاري محصولات كشاورزي و اعلام قيمت هاي تضميني براي برخي محصولات، گسترش انفجاري فعاليت صندوق بيم ة كشاورزي و فعاليت هاي مستمر و روزافزون صندوق كمك به توليدكنندگان خسارت ديدة بخش كشاورزي همه از زمر ة عوامل دگرگون‌كننده اي هستند كه در 4 دهة گذشته بر ساختار زندگي و كار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

در روستاها تأثير گذاشته اند. مطالعات مربوط به فقر روستايي عموماً در بارة آثار و نتايج اين عوامل به كلي ساكت است و اين در حالي است كه برخي از اين عوامل بسيار مهم و تأثيرگذار ند. مثلاً مقايسة نتايج دو سرشماري كشاورزي 1372 و 1382 بازگوي آن است كه تعداد واحدهاي بهره‌برداري كشاورزي از حدود 3/2 ميليون واحد به 4/2 ميليون واحد افزايش يافته است (مركز آمار ايران، 1377 و 1384). مي‌توان احتمال داد كه حدود 200 تا 300 هزار مورد از اين افزايش به تفاوت تعريف بهره برداري در اين دو سرشماري مربوط مي‌شود؛ اما به هر حال 700 تا 800 هزار مورد ديگر مي تواند مربوط به افزايش تعداد بهره برداري‌ها باشد. اين فرايند كه محتم ل است نتيج ة مستقيم ارائة يارانه‌هاي مختلف به توليدكنندگان محصولات كشاورزي باشد، نشان ة دگرگوني‌هاي عجيب و شديدي است كه در ساختار الگوي توزيع درآمد در روستاها در شرف وقوع است. ضروري است كه آثار دوگانة اين وضعيت از سوي نهادهاي مطالعاتي و اجرايي ذيربط در امور كشاورزي و رفاه اجتماعي جدي گرفته شود. زيرا اين افز ايش ضمن آن كه بازگوي ايجاد فرصت‌هاي جديد اشتغال در بخش توليد كشاورزي است با توجه به اين واقعيت كه بهره وري توليد افزايش نيافته، مي تواند دلالت بر كاهش بازدهي كار و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

سرمايه در بخش كشاورزي و به سخن ديگر تقليل سودآوري فعاليت توليدي در اين بخش داشته ب اشد. در واقع اين وظيف ة مطالعات مربوط به فقر روستايي است كه در يك چارچوب شبكه اي بررسي كند كه مثلاً اعلام قيمت تضميني 187 تومان براي خريد هر كيلو گندم [187000 تومان براي هر تن گندم داخلي] (شوراي اقتصاد، 1383) در شرايطي كه قيمت بين‌المللي گندم حدود 135 دلار در هر تن [معادل حدود 121500 تومان به قيمت روز دلار] است چه آثاري بر الگوي توزيع درآمد و وضعيت فقر روستايي از لحاظ «خط فقر»، «نقطة اصابت فقر» و «شكاف فقر » دارد. در حالي كه مطالعات فقر روستايي در كشور هنوز در سطحي نيست كه بتواند اين نوع روابط همبستگي يا علّ ي را حتي به صورت موردي ـ و نه لزوماً در چارچ وب شبكه ـ مورد بررسي قرار دهد.

مطالعات فقرشناسي روستايي موجود اكثراً توليد اطلاعات روشن وعملياتي نمي‌كنند. اغلب آن ها به صورت تحليل‌هاي ثانويه و برم بناي داده هاي توليد شده از سوي نهادهاي آمارگيري رسمي سازماندهي شده اند. در نتيجه به رغم آن كه شناخت مفيدي از ابعاد فقر روستايي در سطوح كلان به دست مي دهند اما نمي توان با استفاده از آن ها خط مشي‌ها و سياست‌هاي عملياتي مشخص و كارآمدي را براي يك

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

گروه هدف شناخته شده و معين تعريف و اجرا كرد.

در حالي كه مطالعات فقر روستايي به لحاظ سرشت اين قبيل مطالعات بايد بتواند تلفيق مناسبي از مطالعات سطح كلان (ملي و منطقه اي) و مطالعات سطح خرد (محلي و حوزه اي) ارائة كند، اكثر مطالعات انجام شده فاقد اين ويژگي اند. جدايي ميان مطالعات خرد و كلان فقر روستايي موجب مي شود كه يافته هاي اندازه گيري فقر در جامعة روستايي در مقياس كلان ـ مثلاً اندازه گيري خط فقر در سطح جامعه روستايي كشور ـ عموماً در كلي ترين سطوح اطلاعاتي باقي مانده و نتواند با تعريف مصاديق مشخصي كه اغلب فقط از طريق مطالعات خرد توليد مي‌شود به سياست‌گذاري‌هاي هدفمند و ارائة طرح‌هاي عملياتي مشخص منجر شود. عربمازار و حسيني‌نژاد (1383) استدلال مي كنند كه اندازه گيري خط فقر دو فايدة اساسي و مهم دارد: اول) هدفمندسازي انواع كمك ها به اقشار محروم و آسيب‌پذير؛ و دوم) بررسي روند و نحوة تغييرات شدت فقر در طول زمان و يا در مكان‌هاي مختلف. در صحت كاربرد دوم البته جاي هيچ شكي نيست ولي تجارب عملياتي برنامه هاي فقرزدايي نشان مي دهد كه توفيق در كاربرد اول به طور جدي محل ترديد است.

مطالعات فقر در ايران عموماً و به رغم تحول

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

روش‌شناختي - به خصوص در بُعد تكنيك هاي اندازه‌گيري فقر- از حيث رويكرد در سطح اك تشافي باقي مانده است و هنوز نتوانسته به سطوح علي، ارتقاء يافته و چارچوب هاي تحليلي و تبييني مناسبي را در حوزة روابط رگرسيوني سازمان دهد. فقرزدگي اجتماعات روستايي ناشي از وجود مسايل زيادي است: محدوديت‌هاي اكولوژيكي، محد وديت‌هاي بهداشتي، محدوديت فرصت هاي آمو زش و پرورش، شكننده بودن زيرساخت‌ها، قلت مشاغل داراي دستمزد خوب و كافي و مسايل ديگري از اين دست. علاوه بر اين، نظام سياسي، نظام فكري و فرهنگي، نظام اجتماعي و سنت هاي تاريخي نيز بر ساختار فقر روستايي اثر مي گذارند و به اين عوامل البته بايد سياست‌هايي را نيز افزود كه در ارتباط با قيمت محصولات كشاورزي در بسياري از كشورهاي پيشرفتة جهان از جمله آمريكا و اتحاديه اروپا اتخاذ مي شود و تأثير چشمگيري بر افزايش فقر روستايي در كشورهاي جهان سوم باقي مي‌گذارد. اين متغيرهاي تأثيرگذار بايد به طور اصولي در مطالعات فقر روست ايي در كشور مورد توجه قرار گيرد. در حالي كه اين مطالعات هنوز با بنيان هاي اطلاعاتي مناسبي كه بر پاي ة آن بتوان اين متغيرها را در فرايند پژوه ش ادخال كرد فاصل ة زيادي دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

امروزه چهار كانون اصلي توجه در مطالعات فقر روستايي در جهان مي توان تشخيص داد (تقويت اجتماعات روستايي، 2005) كه از اين قرارند:

- بازنگري فقر روستايي (Rural Poverty Monitoring)؛
- فقر روستايي و پيامدهاي آن؛
- توانمندسازي روستاييان؛
- رابطه فقر و سرمايه اجتماعي در روستاها؛

مطالعات فقر روستايي در ايران به جز در مورد دوم در ساير زمينه‌هاي اشاره شده پيشرفتي نداشته است. به همين لحاظ هيچ گونه اطلاعي از آثار سياست‌هاي اجتماعي، ساختاري و اقتصادي كلان و نيز برنامه‌هاي مربوط به پيشبرد رشد بر روي كاهش (يا افزايش) فقر روستايي در كشور در دست نيست.

البته بايد توجه داشت كه كاستي هاي اشاره شده در مورد مطالعات مربوط به فقر روستايي در كشور، به نوبة خود متأثر از مشكلات كلي تري است كه بر ساختار نظام برنامه ريزي و اجرا در كشور حاكم است. نخستين مشكل در اين زمينه آن است كه اطلاعات آماري مناسب، جامع و دقيقي در مورد روستاها و مردم ساكن در آن وجود ندارد. بي‌اعتنايي نظام به پژوهش علمي و بي اعتمادي آن به پژوهشگران در كنار فقدان منابع اطلاعاتي كافي براي پژوهش موجب مي شود كه بخش اعظم انرژي و توان پژوهشگران در فرايند پژوهش مصروف دسترسي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

به حداقل داده‌هاي مورد نياز شود. عدم توجه كافي به سرمايه‌گذاري در امور پژوهشي و بي اخلاقي‌هاي حاكم بر نظام تخصيص اعتبارات پژوهشي مانع جدي بر سر راه سازمانده‌ي تحقيقات گسترده و كارآمد است.

و بالاخره، مشكل اساسي ديگري كه مانع از پيشرفت مطالعات فقر روستايي است پراكندگي اين مطالعات و سازمان نيافتن يافته‌ها در يك قالب عملياتي و كاركردي معين است كه بنابر قاعده مي‌بايد در مأموريت‌ها وظايف نهاد اجرايي مشخصي كه مسئوليت كاهش فقر روستايي را به عهده خواهد داشت تعريف شده باشد. به سخن ديگر، بايد نهاد مستقل و مسئولي در زمينه كاهش فقر روستايي وجود داشته باشد كه بتواند به صورت متمركز مطالعات پراكندة موجود را پوشش داده، سنتز يافته‌هاي آن و انتقال اين يافته‌هاي سنتز شده به فرايند برنامه‌ريزي را سازماندهي و هدايت كند. نهادمند شدن اين مطالعات، هدفمند شدن آن‌ها براي مقاصد كاربردي فقرزدايي و حتي پيشرفت روش شناختي آن مستلزم توجه جدي به اين ضرورت‌هاي اصولي است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

1. پژويان، جمشيد، (1373). **بررسي توزيع درآمد و الگوي مصرف جامعه هاي شهري و روستايي در طي دوره سال هاي 1362 تا 1368.** در: مجله اقتصاد، شماره 3، مرداد 1373، تهران: وزارت اقتصادي و دارايي، معاونت امور اقتصادي.
2. خداداد كاشي، فرهاد (1381). **اندازه‌گيري شاخص فقر در ايران: كاربرد انواع خط فقر، شكاف فقر، شاخص فقر (در دوره زماني 79ـ63).** تهران: پژوهشكده آمار.
3. زاهدي، محمجواد (1384). **توان پس انداز خانوارهاي روستايي و آثار آن بر مشاركت روستاييان در فرايند توسعه.** در: (فصلنامه) اقتصاد كشاورزي و توسعه شماره 49 بهار 84، تهران: وزارت جهادكشاورزي، مؤسسه پژوهش هاي برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي.
4. زاهدي مازندراني، محمجواد (1373). **فقر روستايي و راه هاي مقابله با آن.** در (فصلنامه) اقتصاد كشاورزي و توسعه، ويژه‌نامه امنيت غذايي، تهران: وزارت كشاورزي، مركز مطالعات برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي.
5. زاهدي مازندراني، محمجواد و ابراهيم زاهدي عبقري (1375). **روستاييان فقير و آسيبپذير (خطوط اساسي براي شناسايي قشرهاي فقير و آسيبپذير روستايي).** در: (مجموعه مقالات) فقر و آسيب پذيري روستايي ـ (فصلنامه) اقتصاد كشاورزي و توسعه، ـ ويژه نامه فقر و آسيبپذيري روستايي، تهران: وزارت كشاورزي، مركز مطالعات برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي.
6. سمينار برنامه ريزي مراكز و سكونتگاه هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

روستايي (1373). **اشتغال و فقر در جامعه روستايي ايران.** تهران: وزارت جهاد سازندگي.

7. سن، آمارتيا (1999/1381). **توسعه به مثابه آزادي.** ترجمه حسين راغفر، تهران: انتشارات كوير.
8. شوراي اقتصاد (1383). **مصوبه شوراي اقتصاد.** تهران: سازمان مديريت و برنامه ريزي، دفتر شوراي اقتصاد.
9. **طرح جامع مطالعات مصرف و تغذيه كشور** (1370_1373). انستيتو تحقيقات تغذيه اي و صنايع غذ ايي ايران و مركز مطالعات برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي تهران: وزارت كشاورزي، مركز تحقيقات برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي.
10. عربمازار، عب اس و سيدمرتضي حسيني نژاد (1383). **برآورد ميزان فقر و شدت آن در گروه‌هاي مختلف شغلي خانوارهاي روستايي ايران.** در: (فصلنامه) اقتصاد كشاورزي و توسعه، (1383). تهران: وزارت جهادكشاورزي، مؤسسه پژوهش‌هاي برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي.
11. عظيمي، حسين (1362). **توزيع زمين و درآمد در آستانه اصلاحات ارضي.** در: كتاب آگاه، ويژه مسايل ارضي تهران: انتشارات آگاه.
12. عظيمي ـ دارابي، حسين (1371). **مدارهاي توسعه‌نيافتگي در اقتصاد اي ران.** تهران: نشر ني.
13. كدي، نيكي ر. (1360). **روستاهاي ايران قبل و بعد از اصلاحات ارضي.** (مقاله‌اي از كتاب عقب‌ماندگي و توسعه)، ترجمه ابرا هيم زاهدي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

عبقري و غلامرضا حيدري، تهران : وزارت كشاورزي و عمران روستايي، مركز تحقيقات روستايي.

14. مركز آمار ايران (1377). **نتايج تفصيلي سرشماري عمومي كشاورزي 1372**. تهران: مركز آمار ايران.

15. مركز آمار ايران، (1384). **نتايج تفصيلي سرشماري عمومي كشاورزي 1382**. تهران: مركز آمار ايران.

16. Caplovitz, David (1963). "**The Poor Pay More**". NewYork: The Free Press.

17. Coates, Ken and Richard Silburn (1970). **"Poverty: The Forgotten Englishmen**". Penguin Books.

18. Engels, Fredrick (1892). "**The Condition of The Working Class in England**". in: Selected works (Vol. 3), Moscow: Progress Publisher.

19. Field, Frank (1957). "**what is Poverty?".** In: New Society, Vol. 33. No. 677, sep. 1975.

20. Frank, Andre Gunder (1969). "**Capitalism and Underdevelopment in Latin America**". New York: Monthly Review Press.

21. ---------- (1975). **"on Capitalist Underdevelopment".**

22. Haralambos, Michel. With R. M. Heald (1991). **"Sociology: Themes and Perspetives**". Delhi: Oxford University Press.

23. Havemen, R. H, (1987). "**Poverty Policy and Poverty Research**".

24. IFAD (2001). Rural Poverty Report: "**The Chalenge of Ending Rural Poverty**". Published For IFAD by Oxford University Press.

25. Int.// web.worldbank.org " **Poverty Analysis** " overview.

26. Kincaid, J. C. (1973). "**Poverty and Equality in Britain: A Study of Social Security and Taxation**". Penguin Books.

27. Marshall, Gor0don (1998). "**Dictionary of Sociology**". NewYork: Oxford

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

University Press.

28. Marx, Karl (1871). "**The Civil war in France**". in: Selected works, Vol. 2, Moscow: Progress Publisher.
29. Milband, Ralph (1969). **"The State in Capitalist Society**". London: Weidenfield & Nieolson.
30. Miller, S. M. and P. Roby (1970). "**Poverty: Changing Social Stratification**". in: Townsend(ed), The Concept of Poverty, London: Heinemann.
31. Moynihan, D. P. (ed) (1968). "**Understanding Poverty**". NewYork: Basic Books.
32. Rainwater, L. (1968). **"The Problem of Lower – Class Culture and Poverty-war Strategy"**, in: Moynihan.
33. Smith, David, M. (1979). **"Where The Grass is Greener (Living in an Unequal world)"**. Pelican Books.
34. "**Strengthing Rural Communities**". (2005). Hunger Report 2005, 15 th Annual Report on the State of World Hunger, Bread for The world Institute.
35. Townsend, P. (ed), (1970). "**The Concept of Poverty**". London: Heinemann.
36. ----------, (1974). "**Poverty as Relative Deprivation**". in: wedderburn (ed).
37. ----------, (1993). "**The International Analysis of Poverty**". Simon & Seho International Group.
38. Wallerstein, Immanuel (1974 & 1980). **"The Modern world System**". I,II, NewYork: Academic Press.
39. Weber, Max, (1964 /1922). "**The Theory of Social and Economic Organization**". Edited with introduction by Talcott Parsons, NewYork: The Free Press.
40. Wedderburn (ed), (1974). **"Poverty, Inequality and Class Structure**". Cambridge: Cambridge University Press.
41. Westergaard, J. and H. Resler (1976). "**Class in a Capitalist Society**". Penguin Books.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع
References

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]